

خلف گوی

موضوع هفته: غیبت

سال اول / شماره دوم
هفته سوم ماه ربیع الثانی ۱۴۴۳
هفته اول ماه آذر ۱۴۰۰

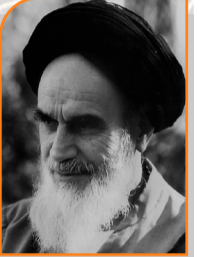
حوزه علمیه آیت الله حجت‌الشیخ
امین الدوله، فیلسوف الدوله

قال النبی ﷺ:
المهدی طاووس أهل الجنة.
مهدی (ع) طاووس اهل بهشت است.

هفته نامه اخلاقی خلق کریم
حوزه علمیه آیت الله حقی شناس
(فیلسوف الدوله - امین الدوله)
حوزه علمیه مجازی اخلاق

حوزه علمیه مجازی اخلاق
آیت الله حقی شناس

امام خمینی



قال الجوهري: «هو أن يتكلم خلف إنسان مستور بما يغمه لو سمعه. فإن كان صدقا سمي غيبية و إن كان كذبا سمي بهتاناً.»؛ یعنی: اینکه پشت سر انسانی عیب مستور او گفته شود، به طوری که اگر آن فرد آن عیب را بشنود، ناراحت شود، اگر آن فرد آن عیب را داشته باشد، آن حرف غیبت و اگر آن عیب را نداشته باشد، تهمت نامیده می شود. شیخ محقق در کشف الربیة می فرماید: برای غیبت دو تعریف است: اولی که آن مشهور بین فقهاست: «هو ذکر الإنسان حال غیبه بما یکره نسبته إلیه، ممّا یعدّ نقصاناً فی العرف بقصد الانتقاص و الذّمّ.» و دومی: «التنبيه علی ما یکره نسبته إلیه...» حاصل معنی آن است که «غیبت عبارت است از: ذکر کردن انسان را در حال غایب بودنش به چیزی که خوش آیند نیست یا نسبت دادن او به چیزهایی که پیش عرف مردم نقصان است، به قصد انتقاص و مذمت او.» و فی روایة أنّ رسول الله ﷺ لمّا رجم الرّجل فی الزّنا، قال رجل لصاحبه: هذا اقعص كما یقعص الكلب. فمزّ التّیس معهما بجيفة، فقال: انهشاً منها. فقالا: یا رسول الله، نهش جيفة! فقال: ما أصبتما من أخیكما أنتن من هذه؛ یعنی: رسول خدا ﷺ به واسطه زنا، مردی را سنگسار فرمود. یکی از حضار به رفیقش گفت: «این شخص در جایگاه خود کشته شد؛ مثل سگ.» پس از آن پیغمبر ﷺ با آن دو نفر به مرداری عبور کردند. ایشان به آن دو فرمود: «با دندان های خود از گوشت این مردار بکنید.» عرض کردند: یا رسول الله ﷺ، از گوشت مردار بخوریم؟! فرمود: «آنچه از برادرتان به شما رسید، گندش بیش از این است!». آری، رسول اکرم ﷺ به قوت نور بصیرت و مشاهده داشتند، می دیدند عمل آن ها را که گندش از مردار بیشتر است و صورت آن فزیح تر و فجیع تر است.

مقام معظم رهبری (حفظه الله)



«غیبت» زندگی را از نظم صحیح خارج می کند. بعضی از آیات هست که مربوط به تنظیم مناسبات اجتماعی است؛ این دستورهای کاربردی مربوط است به مناسبات اجتماعی. فرض بفرمایید: وَلَا یَغْتَب بَعْضُكُم بَعْضًا؛ که می فرماید: غیبت نکنید؛ این دستور، مناسبات اجتماعی را تنظیم می کند. شما وقتی غیبت می کنید، دل خودتان را چرکین می کنید، دل مخاطبتان را چرکین می کنید، واقعیت پنهان یک برادر مؤمنی را هم بیخودی به رخ این و آن می کشید. او هم نسبت به شما ممکن است که همین کار را بکند. این کار، زندگی را، روابط اجتماعی را، از نظم صحیح خارج می کند. مراقب باشید! این که خدای متعال باب توبه را باز کرده و فرموده است من گناهان را می آمرزم، معنایش این نیست که گناهان، چیزهای کم و کوچکی هستند؛ نه. گاهی گناهان، همه وجود حقیقی انسان را ضایع می کنند، از بین می برند و یک انسان در مرتبه عالی حیات انسانی را به یک حیوان درنده کثیف پلید بی ارزش تبدیل می کنند. گناه، این گونه است. خیال نکنید گناه، چیز کمی است. همین دروغ گویی، همین غیبت کردن، همین بی اعتنائی به شرافت انسان ها، همین ظلم کردن، گناهان کم و کوچکی نیستند. در اظهارات، در صحبت ها، قول به غیر علم نباید باشد، غیبت نباید باشد، تهمت نباید باشد و بدگویی و بدزبانی نباید باشد. این ها را به مردم یاد بدهید، تعلیم بدهید؛ هم در زبان تعلیم بدهید، هم در عمل تعلیم بدهید و ببینید که چقدر این ها مهم است. غیبت می کنیم، غیبت می شنویم، خلاف واقع میگوئیم، قضاوت نادرست می کنیم، آنجایی که باید حرف بزنیم سکوت می کنیم، آنجایی که باید سکوت کنیم حرف می زنیم؛ تخلفات شرعی ما این ها است؛ باید این ها را مراعات کرد، مراقبت کرد. امام باقر ﷺ در روایتی، «ذکر الله علی کل حال» را معنا کرده اند؛ ایشان در معنای روایت ذکر شده فرمودند: «و هو ان یذکر الله عزوجل عند المعصیة یهمّ بها؛ وقتی که انسان می رود به سمت معصیت، ذکر خدا او را مانع بشود. ذکر؛ یاد کند خدا را و این معصیت را انجام ندهد؛ انواع معاصی بزرگ عبارت اند از؛ خلاف واقع گفتن، دروغ گفتن، غیبت کردن، حق را پوشاندن، بی انصافی کردن، اهانت کردن، مال مردم را، مال بیت المال را، مال ضعفا را تصرف کردن یا درباره ی آن ها بی اهمیتی به خرج دادن. این ها گناهان گوناگون است. در همه ی این ها، باید انسان توجه کند به خدا و ذکر او.

منهج الصادقین

«يَأْيِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»

(آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات)

ترجمه:

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها دوری کنید، زیرا بعضی از گمان ها گناه هستند؛ و (در کار دیگران) تجسس نکنید و بعضی از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (هرگز) بلکه آن را ناپسند می دانید و از خدا پروا کنید، همانا خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.»
خداوند متعال در یکی فراز های آیه می فرماید: «وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» یعنی: بعضی از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟
در حدیث «أن تذكر أحاك بما يكرهه فان كان فيه فقد اغتبه فان لم يكن فيه فقد بهته» مراد آن است که: هم چنان که یکی از شما امتناع می کند از

خوردن گوشت برادر خود که مرده باشد به جهت کراهت طبع، هم چنین واجب است که از غیبت اجتناب نماید به جهت کراهت عقل و شرع.
در حدیثی آمده است که «لا تغتابوا المسلمین ولا تتبعوا عوراتهم فان من يتبع عورات اخیه المسلم يتبع الله عوراته حتى یفضحه و لو فی جوف بیته» غیبت مسلمانان را نکنید و در پی بدی های ایشان مباشید که هر که در پی بدی های برادر مسلمانش باشد، خداوند او را رسوا میکند؛ اگرچه در میان منزل خود باشد. در کتاب مصابیح القلوب مذکور است که یکی از صلحای امت گوید که: روزی در فلان گورستان نشسته بودم که مردی جوان به سرعت تمام بر ما بگذشت.
این و امثال این و یال مسلمان اند و مشوش خاطر آن ها هستند. چون شب شد، در عالم خواب دیدم که آن مرد را که غیبتش را کردم، به حالت جنازه نزد من آوردند و چاقویی به

دستم دادند و به من گفتند که: بخور. گفتم: سبحان الله؛ من چندین سال است که حتی گوشت حیوانی را هم نخورده ام، حالا چگونه گوشت مرده بخورم؟! گفتند: تو غیبت او را کردی؛ پس چطور نمی توانی گوشتش را بخوری؟
گفتم: از آن کار توبه می کنم و رضایت او را هم می گیرم؛ پس يك سال به آن گورستان تردد می کردم تا آن جوان را با زهم ببینم و از او حلالیت بطلبم که بعد از يك سال او را در قبرستان دیدم و قبل از آنکه سخنی بگویم، به من گفت: توبه کردی؟ گفتم: آری
گفت: برو به خانه خود که تو را حلال کردم. در حدیثی هم از امیرالمؤمنین علی ﷺ آمده است که: «السامع للغیبة أحد المغتابین» یعنی: شنونده غیبت یکی از غیبت کنندگان است؛ یعنی حتی شنونده غیبت هم همان حکمی را دارد که خود غیبت کننده دارد.

تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین نویسنده: کاشانی، ملا فتح الله جلد: ۸، صفحه: ۴۲۴

احادیث کلاس

قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ: لَا تَقُولَنَّ فِي أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ إِلَّا مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يَقُولَ فِيكَ إِذَا تَوَارَيْتَ عَنْهُ.

امام حسین ﷺ فرمودند: در پشت سر برادر مؤمن خود چیزی مگو، مگر آنچه دوست داری او پشت سر تو بگوید.

بحار الأنوار ج ۲۲، ص ۲۶۲

عَنِ الرَّسُولِ ﷺ: مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرَى بِي عَلَى قَوْمٍ يَخْمُسُونَ وَجُوهَهُمْ بِأَظْفَارِهِمْ، فَقُلْتُ: يَا جَبْرَيْلُ، مَنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ.

رسول خدا ﷺ فرمودند: شب معراج بر گروهی گذر کردم که صورت های خود را با ناخن می خراشیدند. از جبرئیل پرسیدم: اینان چه کسانی اند؟ گفت: اینها کسانی هستند که غیبت مردم را می کردند و آبروی آنها را می ریختند.

تنبيه الخواطر ج ۱، ص ۱۱۵

عَنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ: الْغَيْبَةُ آيَةُ الْمُنَافِقِ.

امیرالمؤمنین علی ﷺ فرمودند: غیبت نشانه منافق است.

غرر الحکم ص ۸۹۹

الْإِمَامُ الْحُسَيْنُ ﷺ - لِرَجُلٍ اغْتَابَ عِنْدَهُ رَجُلًا - يَا هَذَا، كُفَّ عَنِ الْغَيْبَةِ؛ فَإِنَّهَا إِدَامٌ كِلَابِ النَّارِ.

امام حسین ﷺ به مردی که در حضور ایشان از دیگری غیبت می کرد، فرمودند: ای فلان! از غیبت کردن دست بردار که غیبت خورش سگ های جهنم است.

تحف العقول ص ۲۲۵

الْإِمَامُ الْكَاطِمُ (عَلَيْهِ السَّلَام): مَلْعُونٌ مَنِ اغْتَابَ أَخَاهُ

امام کاظم ﷺ فرمودند: ملعون است کسی که غیبت و بدگویی کند از برادرش

بحار الأنوار ج ۱۱، ص ۲۳۶

احادیث مباحثه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ.

پیغمبر ﷺ فرمودند: تأثیر غیبت در نابودی دین شخص مسلمان از اثر مرض خوره در درونش سریع تر است.

کافی ج ۲، ص ۳۵۶

عَنِ الصَّادِقِ ﷺ قَالَ: لَا تَغْتَبْ فَتَغْتَبَ وَلَا تَخْفِرْ لِأَخِيكَ حُفْرَةَ فَتَقَعَّ فِيهَا فَإِنَّكَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ.

امام صادق ﷺ فرمودند: غیبت نکن تا غیبت شوی و برای برادرت چاه مکن که خودت در آن چاه خواهی افتاد؛ زیرا تو هر طور کنی با تو همان

شود.

امالی صدوق ص ۲۵۲

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الصَّائِمُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ نَائِمًا عَلَى فِرَاشِهِ مَا لَمْ يَغْتَبْ مُسْلِمًا.

رسول خدا ﷺ فرمودند: روزه دار حتی اگر در بستر خواب باشد، در حال عبادت خداوند متعال است؛ تا زمانی که مسلمانی را غیبت نکرده باشد!

امالی صدوق ص ۳۳۹

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ﷺ قَالَ: مَنْ كَفَّ عَنِ أَعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ أَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

امام سجاد ﷺ فرمودند: هر که از ریختن آبروی مسلمانان خودداری کند، خدای تعالی روز قیامت از لغزشش بگذرد.

صحیحة الرضا ج ۱، ص ۴۲

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَ هَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَانِدُ أَلْسِنَتِهِمْ.

رسول خدا ﷺ فرمودند: آیا مردم را به دوزخ سرازیر می کنند مگر بر کيفر دست آوردهای زبانهایشان؟!.

بحار الأنوار ج ۱۲، ص ۲۶۰



خدا رحمت کند مرحوم آقا شیخ مرتضی رحمته الله علیه را که می فرمودند: از بس من تمرین کرده ام، اگر کسی غیبت بکند، سنگینی روی قلبم می آید!

در صورت تمرین و مراقبه، سنگینی گناه بر شما ظاهر می شود. دیگر دوست ندارید و نمی خواهید که بد بشنوید.

اولین مبحث اخلاقی که من یاد گرفتم، باب غیبت بود. خدا شاهد است که از ابتدای هیجده سالگی استاد من مرا ملزم کرد به اینکه کم صحبت بکنم. «الصمت باب من ابواب الحکمة». خاموش بودن دری از درهای حکمت است. در مباحث اخلاق اولین مسئله ای که بنده یاد گرفتم، باب غیبت بود؛ زیرا دیدم اگر این باب را یاد نگیرم، نمی توانم صحبت بکنم. هر چه حرف بزنم، استاد خواهد گفت که: غیبت است داداش جون!

عمل بد، عفت زبان را از بین می برد. نبی اکرم (ص) در ادامه فرمودند: «ولا یستقیم لسانه حتی یستقیم عمله». یعنی: وقتی عمل انسان بد شد، زبان، آن عفت اولیه خودش را از دست می دهد. غیبت می کند، تهمت می زند و...

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت رحمته الله علیه



با احمد رفیق بودیم؛ اما چندسالی بود که به خاطر یک اختلاف مالی، میانه مان شکرتاب شده بود. هر کدام حق را به خودمان می دادیم. گره دعوا که کور شد، برای قضاوت رفتیم پیش آقای بهجت.

اول احمد حرف هایش را زد، بعد هم من از سیر تا پیاز ماجرا را گفتم. این میان، احمد برای کاری از اتاق بیرون رفت. حرف های من که تمام شد، آقا همان جور که سرش پایین بود، با لبخند گفتند: «حُب حالا من گوش کدامتان را بکشیم؟» بعد رو کرد به جای خالی احمد... چه راهش از ناراحتی تغییر کرد. قطره های درشت عرق نشست روی پیشانی اش... انگار که اتفاق خیلی بدی افتاده باشد، یا حرف خیلی بدی زده باشد... با ناراحتی گفتند: «ایشان نیستند؟! نمی دانستم؛ و گرنه این جمله را در غیاب او نمی گفتم.»

آیت الله محمد علی جاودان رحمته الله علیه



اگر یک کسی یک کار خلافی، خلاف شرعی، خلاف اخلاقی انجام داده است و خودش هم برای من گفته باشد، خب من از این کار خلاف او مطلع شده ام دیگر؛ حالا مثال هم می زنیم. معمولاً سیگار کشیدن را به عنوان مثال کار بد می گوئیم.

من می گویم آقا من می دانم فلانی سیگار می کشد. من اطلاعی را که از طریق خود او نسبت به کارش یافته ام را به کسی می گویم، خب این غیبت است.

یک وقت دیده ام و می گویم، یک وقت شنیده ام و می گویم، نه شنیدن مردمی که ممکن است پایه نداشته باشد یا مثلاً بگویم خودش گفت، خودش گفت من سیگار کشیدم، خب اگر این را گفتم غیبت است.

یک وقت می گویم آقا فلانی گفت؛ فلانی خودش گفت؛ یعنی من فقط نقل می کنم، یک وقت هم مطلب را می گویم و دارم از خودم می گویم که فلانی، فلان کار بد را کرده است؛ خب این هم غیبت است. آن وقت هم که من نقل می کنم (نه نقل مردم ها، نه، خود فرد به من گفته است)، یک وقت سز است؛ که جایز نیست من سز را فاش کنم. مثلاً یک مجلس خصوصی بود و من و او بودیم و ایشان گفت این پیش تو بماند، خب اگر گفت این پیش تو بماند، این سز است و امانت است. من اگر این سز را فاش کنم، به امانت خیانت کردم که این از مسلمانی به دور است و خب یک وقت هم خیر؛ بنده علنی در این مجلس یک چیزی را گفتم، حالا شما یک وقت می گویی فلانی این کار را کرد که این غیبت است؛ اما یک وقت می گویی فلانی گفت که من این کار را کردم که این دیگر غیبت نیست.

مسائل غیبت یک ذره بیشتر از این است که ما می دانیم. که الحمدلله ما هیچ چیز از مسائل غیبت را نمی دانیم. در هیچ رساله ای هم نوشته است و در کتاب های اخلاقی نوشته است. البته یک وقتی یکی از دوستان ما بنابر احتیاط، یک رساله نوشت. احتیاط همه آقایان را در نظر گرفت و نوشت، همه رساله بر اساس احتیاط بود. یعنی سخت ترین نظر و فتوا. من جای دیگر ندیدم. یک رساله کوچکی که احتمالاً شهید ثانی نوشته بود. این رساله «کشف الریبه فی احکام الغیبة» نام دارد که اصلش عربی هست و به زبان فارسی هم ترجمه شده است. آن هم باز مقداری از مسائل غیبت را داشت. البته مقداری را داشت نه همه مسائل غیبت را. مثلاً این مساله ای که بنده عرض می کنم قاعداً در آن کتاب نیست، حالا اگر آدم می خواهد از زبان خودش محافظت کند، باید یک کمی مسائل غیبت و... را بداند.

استاد میر هاشم حسینی رحمته الله علیه



قال امیرالمومنین: «أَبْقَصُ الْخَلْأَقِ إِلَى اللَّهِ الْمُغْتَابُ»^۱

مبغوض ترین مردم آن کسی است که پشت سر برادرش خودش حرف بزند. بحث غیبت کردن یکی از مهم ترین مباحث اخلاقی است و به یک معنای دیگر فقهی یکی از معصیت های بزرگ است. این معصیت از آن معصیت هایی است که یک زمانی شما چشم رو باز می کنی و می بینی تمام خوبی های شما رو بلعیده است؛ لذا داخل بعضی تعریف ها بیان شده که شبیه مرض خوره است.

قال امیرالمومنین: «إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ؛ فَإِنَّهَا تَمَقَّتُكَ إِلَى اللَّهِ وَالنَّاسِ»^۲

از غیبت کردن پشت سر دیگران بپرهیزید؛ زیرا غیبت تو را مبغوض خدا و مردم می کند. مبغوض خدا که بدترین فرض برای انسان هست. شما آن لحظه ای که مبغوض خدا بشوی محروم می شوی و بعدش معلوم نیست چه اتفاقی برای انسان رخ می دهد و مبغوض مردم شدن یه معنای ساده ای است؛ که بیان شده اینکه: طرف غیبت شده می فهمد شما بدگویی و غیبتش را انجام دادی و از شما بدش می آید و معنای دقیق ترش اینست که درون شما از معنویت تهی می شود و اگر درون شخصی از معنویت تهی شود، مردم با آن فرد مشکل پیدا می کنند، آدم های خوب با او مشکل پیدا می کنند. انسان های خوب دیگر او را نمی شناسند.

«مِن أَقْبَحِ اللُّؤْمِ غَيْبَةُ الْأَخِيَارِ»^۳ قبیح ترین و زشت ترین پستی ها غیبت کردن آدم های خوب است. خدا رحمت کند مرحوم امام رحمته الله علیه را که گفتند جلسه ایشان ممکن بود که گهده ای باشد، ولی داخل آن جلسه کسی حق نداشت پشت سر دیگری صحبت کند. می شود آدم تمرین کند. من و شما داخل محفلی جایی که نشستیم می شود جلوی غیبت را گرفت، فقط اراده راستین می خواهد؛ مثلاً داخل مجلسی باشیم که غیبت کسی نشود. خیلی خوش می گذرد؛ اما این بحث مراقبه نیاز دارد، امر به معروف و نهی از منکر نیاز دارد، تذکر دادن نیاز دارد که خیلی تاثیر دارد. نقلی هست که زنی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم غیبت کرد، حضرت فرمودند: «لَقَدْ فُلَّتْ كَلِمَةٌ» تو یک صحبتی از زبانت جاری شد که «لَوْ مُرَجَتْ بِمَاءِ الْبَحْرِ لَمَزَجَتْهُ» اگر به آب دریا ریخته شود همه دریا آلوده می شود از این غیبت که انجام دادی. خدا رحمت کند آیت الله حق شناس رحمته الله علیه را که همیشه برای شاگردان در اوایل بحث، موضوع غیبت را مطرح می کردند، از بس این بحث زمین زنده است. وقتی شما خوبی داخل وجودتان نباشد، انرژی برای کار خوب دیگر ندارید، انرژی برای مقابله با گناه دیگر ندارید، انرژی برای حرکت و قدرت، برای حرکت به سمت خوبی، ندارید.

گاهی مواقع بخاطر بصیرت لازم است که آدم بعضی افراد را به عینه بشناسد و گرنه در طول تاریخ آدم های بد می گفتند: ما مرید آدم خوب ها هستیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «تَرَكْتُ الْغَيْبَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافِ زَكَاةٍ تَطَوُّعاً» ترک غیبت محبوب تر است نزد خداوند از ده هزار نماز مستحبی که برای رضای خدا این نمازها را اقامه کردید؛ لذا بین طلبه ها به هیچ عنوان نباید باشد این عناوین!!

۱: غرر الحکم: ۳۱۸
۲: غرر الحکم: ۳۱۲
۳: غرر الحکم: ۹۳۱

آیت الله تحریری رحمته الله علیه



سوال: من افرادی را که غیبت کردم، برای حلالیت به آنها دسترسی ندارم. می گویند به جایش می شود استغفار کرد و صدقه داد؛ اما حد و اندازه استغفار و صدقه چقدر است؟ یعنی مثلاً تمام اموال را بدهم؛ چقدر باید استغفار کنم؟

جواب: نسبت به غیبت، هر مقداری که میتوانید استغفار کنید، خوب است. صدقه دادن هم به مقداری باشد که زندگی انسان لطمه نبیند و اگر حق الناس مالی باشد و شخصش را بشناسد، باید به او برگرداند؛ در غیر این صورت با اجازه از مجتهد آن را به فقیر دهد.

شرح رساله حقوق امام سجاد علیه السلام



خبر مهم شب معراج:

انس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که: در شبی که به معراج می رفتیم، بر جمعی گذشتم که با ناخن های خود صورت می خراشیدند. از جبرئیل علیه السلام پرسیدم: این گروه چه کسانی هستند؟ فرمود: اینها کسانی هستند که غیبت مردم نموده و آبروی آنها را به تاراج می برند.

شنونده غیبت نیز در غیبت شریک است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

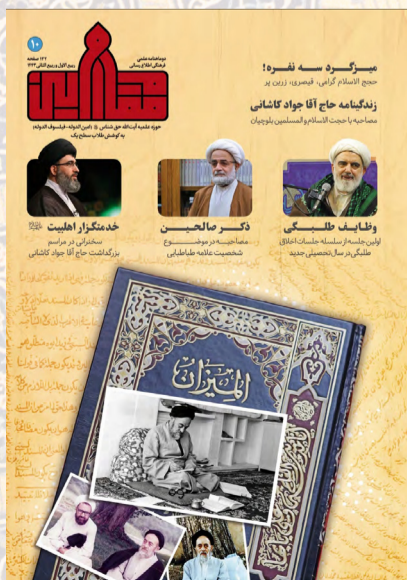
«مستمع غیبت نیز جزء غیبت کنندگان است»

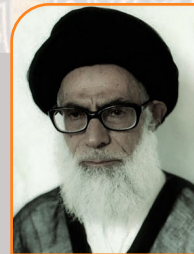
بنابراین شنونده غیبت نیز از گناه برکنار نیست، مگر اینکه با زبان آن غیبت را بد و منکر بشمارد یا سخن فرد غیبت کننده را با سخن دیگر قطع کند یا از مجلس برخیزد و بیرون رود و اگر هیچ یک از این کارها را نمی تواند انجام دهد، در دل آن غیبت را زشت و ناپسند بشمارد. البته اگر به فرد غیبت کننده به زبان بگوید: ساکت شو و در دل از عمل او راضی باشد مبتلا به نفاق است؛ که خود گناهی بسیار بزرگ است.

راه معالجه غیبت:

یکی از بهترین راه های معالجه این مرض زشت و خانمان سوز این است که: فرد غیبت کننده در وهله اول مفاصل و عقوبت های اخروی آن را به یاد آورد و در مرحله دوم مفاصل و بدی های آن را در دنیا به یاد آورد؛ اما مهم ترین راه این است که انگیزه های غیبت را در وجود خود ریشه کن کند.

آخرین شماره مقام امین





در روایتی از حضرت صادق علیه السلام آمده که: «هرکس درباره مؤمنی، بگوید، آنچه دو چشمش از او دیده و دو گوشش از او شنیده؛ پس از کسانی است که خداوند درباره آن‌ها فرموده: به راستی کسانی که دوست دارند کار زشتی از مؤمنین فاش شود، برایشان عذاب دردناکی است».

به چندین طریق از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که: «گناه غیبت، از زنا بدتر است. زیرا زنا کننده اگر توبه کند، خداوند او را می‌آمرزد. ولی غیبت کننده را نمی‌آمرزد، مگر شخص غیبت شده او را ببخشد».

در روایت آمده است که: دروغ گفت هرکس خیال کرد حلال زاده است، درحالی که گوشت مردمان را با غیبت کردنش می‌خورد. در روایت دیگری هم آمده است: از غیبت بپرهیز؛ زیرا خورش سگ‌های دوزخ است.

باید دانست که حرمت غیبت، مختص به مؤمن است. یعنی کسی که معتقد به عقاید حقه باشد و از آن جمله اعتقاد به امامت ائمه اثنا عشر علیهم السلام است. بنابراین غیبت مخالفین، حرام نیست؛ ولی احتیاط در ترک غیبت جمیع فرق اسلام است. خصوصاً آن‌هایی که با حق معاند نباشند و در ترک عقاید حقه قاصر باشند.

و نیز باید دانست که حرمت غیبت، اختصاصی به مؤمن مکلف ندارد؛ بلکه بچه نابالغی که از شنیدن غیبتش متأثر و ناراحت می‌شود، غیبت کردن از او نیز حرام است.



به طور کلی امیرالمؤمنین علیه السلام تمام اخلاق دنیه را به حساب پستی نفس می‌گذارد، یعنی ریشه همه اخلاق رذیله را دنائت می‌داند. مثلاً در باب غیبت می‌گوید: **الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ بِيْ چاره‌ها، ناتوانها، ضعیف همت‌ها، پست‌ها غیبت می‌کنند. یک مرد، یک شجاع، یک آدمی که احساس کرامت و شرافت در روح خودش می‌کند، اگر از کسی انتقادی دارد جلوی رویش می‌گوید یا حداقل جلوی رویش سکوت می‌کند آدمی که احساس شرافت می‌کند، غیبت نمی‌کند.**



سر صحبت با مهمان باز شد. از هر دری و هرکسی حرف به میان آمد. علی از جایش بلند شد و بیرون رفت. اولش متوجه نشدم چرا؟ ولی کمی که گذشت و علی هم بزن‌گشت، دلواپسش شدم و به حیاط رفتم و صدایش کردم: «اون بالا چکار می‌کنی؟». گفت: «می‌دونید پشت سر این و اون حرف زدن گناهه؟ به این راحتی نشستید چای می‌خورید و غیبت می‌کنید!». گفتم: «ما که حرف بدی نزدیم. این حرف‌ها رو جلوی طرف هم می‌گیم!». گفت: «می‌دونید اگه اون طرف، بشنوه که پشت سرش حرف زدید ناراحت می‌شه؟». اوقاتم تلخ شد و گفتم: «حالا چهار دفعه پایگاه رفتی و اومدی، شدی ملای یازدهم؟! من رو نصیحت می‌کنی؟ بیا پایین! حاج خانم می‌گه علی کجا رفت». گفت: «من که نمی‌یام. به شما هم توصیه می‌کنم که جلسه رو تعطیل کنید. حیفه که عمرتون رو هدر بدین و آتش بخورید!».

مجلس هفتگی
مشاوران بزرگ
استاد محترم آیت الله العظمی
چهارشنبه ۲۴ آبان ساعت ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۳۰

مجموعه روضه عوالم حضرت علی علیه السلام
آموزش روضه عوالمی و مناجات عوالمی
آموزش زیارت عوالمی و امام شناسی
آداب روضه عوالمی و عبادی علیه السلام

محندوزرتین پش
شب‌های جمعه ساعت: ۰۰:۰۰
مسجد امامین دولت

مجلس هفتگی
مشاوران بزرگ
استاد محترم آیت الله العظمی
چهارشنبه ۲۴ آبان ساعت ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۳۰

میدان بهارستان، شورای گروه، پستوی کاشی، کوچه سعید آقا
حوزه علمیه آیت الله مجتهدی
جلسات مشترک دوجوره
گزارش: **پایان راهی از راهی**
پخش کننده: رسانه بسی ایت الله مستوفی



فرمایشات حضرت آقا (حفظه الله تعالی) در رابطه بسیج

بسیج، یکی از برکات انقلاب و از پدیده‌های بسیار شگفت‌آور و مخصوص این انقلاب است؛ این هم یکی از آن گنجینه‌های معنوی بی‌پایانی است که امام بزرگوار ما با دید الهی خود و با حکمتی که خدای متعال به او ارزانی کرده بود، برای کشور و ملت و انقلاب ما به یادگار گذاشت.

اگر بخواهیم بسیج را در یک تعریف کوتاه معرفی کنیم، باید بگوییم:

بسیج، عبارت است از مجموعه‌ای که در آن، پاک‌ترین انسان‌ها، فداکارترین و آماده‌به‌کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملت و برای به کمال رساندن و به خوشبختی نائل کردن این کشور، جمع شده‌اند. بسیج، عبارت است از تشکیلاتی که در آن، افراد متفرد و تنها، به یک مجموعه عظیم و منسجم و به یک گروه آگاه، متعهد، بصیر و بینای به مسائل کشور و به نیاز ملت، تبدیل می‌شوند؛ مجموعه‌ای که دشمن را بیمناک و دوستان را امیدوار و خاطر جمع می‌کند. معنای بسیج، این است.

بسیج در حقیقت، مظهر یک وحدت مقدس، میان افراد ملت است. همه میدان‌هایی که بسیج در آن حضور پیدا کرده است، میدان‌های ملی است؛ میدان‌های مربوط به همه ملت (مثل میدان دفاع مقدس، میدان سازندگی و خدمات عمومی) است. هیچ‌وقت کشور، از یک مجموعه عظیمی که از بهترین فرزندان کشور و با این خصوصیات تشکیل شده است، بی‌نیاز نیست.

بسیج در واقع، مظهر عشق و ایمان و آگاهی و مجاهدت و آمادگی کامل، برای سربلند کردن کشور و ملت است. شما که در بسیج هستید، به عنوان نیروهای مؤمن و آگاه، قدر این خصوصیت را بدانید. امروز سازماندهی بسیج در سراسر کشور، در حدود پنج میلیون نفر است؛ اما این سازماندهی، یقیناً از این گسترده‌تر خواهد شد و با یک دید وسیع که نگاه کنیم، همه انسان‌هایی که این خصوصیات را دارند، در واقع جزو بسیج‌اند. در حقیقت همه انسان‌های مؤمن، آگاه، بصیر، عاشق، متعهد، علاقه‌مند و آماده به کار، در هر میدانی از میدان‌ها که برای ملت مفید است، حضور دارند، جزو بسیج‌اند. لذا بسیج، یک نام مقدس است.

شرح نهج البلاغه آیت الله العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله تعالی)

وَ قَالَ علیه السلام: الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ.

امام (علیه السلام) فرمود: غیبت کردن، آخرین تلاش شخص ناتوان است.

* حکمت ۶۱

امام علیه السلام در این گفتار کوتاه و پرمعنا به یکی از عیوب مهم غیبت اشاره کرده می‌فرماید: «غیبت کردن، آخرین تلاش شخص ناتوان است»؛ (الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ). اشاره به این‌که تنها فروماگان و افراد پست و ناتوان به سراغ غیبت می‌روند چرا که اگر انسان در خود، توانایی و استعداد پیشرفت ببیند به جای این‌که با غیبت مقام کسی را خدشه‌دار کند خودش می‌کوشد و به آن مقام و برتر از آن می‌رسد ولی چون عاجز و ناتوان و فرومایه است سعی می‌کند به وسیله غیبت آبروی دیگری را در انتظار عموم بریزد. از این رو امام علیه السلام می‌فرماید: غیبت، آخرین تلاش افراد ناتوان است. در میان گناهان کبیره کمتر گناهی است که همانند غیبت، نشانه پستی و ضعف و زبونی و ناجوانمردی باشد. به تعبیر دیگر، آن‌ها که پشت سر مردم به مذمت و عیب‌جویی می‌پردازند و آبرو و حیثیت افراد را با افشای عیوب پنهانی، که غالب مردم به یکی از این عیوب گرفتارند، می‌برند، و آتش حسد و کینه خود را به این وسیله فرو می‌نشانند، افرادی ناتوان و فاقد شخصیت‌اند که حتی در مبارزه بی‌دلیل و ظالمانه خود شهامت ندارند و تمام قدرتشان این است که از پشت خنجر بزنند.

غیبت و آثار شوم آن:

در تعریف غیبت، در میان ارباب لغت و همچنین در کتب فقهیه و کلمات علمای اخلاق، تفسیرهای گوناگونی دیده می‌شود که در واقع همه آن‌ها به یک چیز برمی‌گردد. مرحوم شیخ انصاری از بعضی از بزرگان علما نقل کرده است که اخبار معصومین (علیهم السلام) و اجماع فقها دلالت بر این دارد: حقیقت غیبت این است که از دیگری در غیاب او چیزی بگوید که اگر بشنود ناراحت شود.^۱

گاه گفته می‌شود که غیبت، افشای عیوب و گناهان پنهانی افراد در غیاب آن‌ها نزد کسانی است که از آن آگاهی ندارند و این که بعضی از عوام می‌گویند: آنچه گفتیم، صفت اوست غیبت نیست؛ اشتباه روشنی است. زیرا غیبت همان بیان صفت زشت پنهانی در غیاب افراد است و اگر صفت آن‌ها نباشد مصداق تهمت و بهتان می‌باشد و نیز آنچه بعضی از عوام می‌گویند: حاضریم همین مطلب را نزد خود شخص بگوییم؛ این هم اشتباه دیگری است که خیال می‌کنند اگر چیزی واقعیت داشته باشد غیبت نیست.

به هر حال، شدیدترین تعبیر درباره غیبت در قرآن مجید آمده و درباره هیچ گناهی چنین تعبیری دیده نمی‌شود و آن این است که غیبت کننده همچون کسی است که گوشت برادر مرده خود را بخورد: (أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ).^۲

اشاره به این که آبروی انسان مانند گوشت تن اوست و غیبت کننده گویی گوشت تن برادر مسلمانش را می‌خورد و غایب و بی‌دفاع بودن او به منزله مردن اوست.

۱: مکاتب محرمه، شیخ انصاری، بحث غیبت.
۲: حجرات، آیه ۱۲.